

بسم الله الرحمن الرحيم

توافق نامه تجاری میان امریکا و چین



(ترجمه)

پرسش:

رئیس‌جمهور امریکا در اظهاراتی گفت: «مرحله نخست توافق نامه تجاری با چین ممکن است "در مدت کوتاهی" پس از تاریخ 15 جنوری به امضاء رسد. این تاریخی است که ماه گذشته به عنوان زمان امضای این توافق نامه اعلان گردید. ترامپ افزود: «علاقه مندم مرحله دوم این توافق با چین را پس از انتخابات ریاست جمهوری و در چهارچوب تلاش‌های مان در جهت پایان دادن به جنگ تجاری موجود میان دو اقتصاد بزرگ جهان به امضاء رسانیم و به این ترتیب جنگ مذکور را که ماه‌هاست ادامه دارد، بازارهای جهانی را مختل نموده و از رشد جهانی اقتصاد کاسته، پایان دهیم.» (منبع: بوابه العین 10 جنوری 2020م)

پیش از آن وزارت تجارت چین نیز رسماً اعلان نموده بود: «لیو معاون رئیس دولت به زودی برای امضای مرحله نخست توافق نامه تجاری عازم واشنتن خواهد شد. این نخستین اظهارات رسمی چین در خصوص امضای توافق نامه‌ای است که ترامپ پیش از آن گفته بود که بعد از امضای آن و برای آغاز مرحله دوم آن به پکن سفر خواهد نمود.» (منبع: تردید کاپتن 10 جنوری 2020م) آیا این به معنای پایان تنش‌های تجاری میان امریکا و چین است؟

پاسخ:

برای پاسخ به این پرسش و درک واقعیت جنگ تجاری میان امریکا و چین به بررسی امور زیر می‌پردازیم:

اول) پیشینه مسأله

1. کسانی که سیاست امریکا در قبال چین را دنبال می‌کنند، می‌دانند که امریکا پیوسته سعی دارد در منطقه اوراسیا "اروپا و آسیا" دست برتر را داشته باشد و نمی‌گذارد چین در این میدان از آن پیشی گیرد، دلیل آن این است که منطقه اوراسیا، منطقه حیاتی بوده و امریکا برای تضمین تسلط خویش بالای آن سیاست خارجی نیرومندی را طراحی و پیش گرفته، سیاستی که تا امروز متضمن تأمین منافع سازمان‌های امریکائی است. از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991م، طراحان سیاست امریکا در خصوص سیاست امریکا در قبال چین به دو گروه بزرگ تقسیم شده‌اند:

اول: گروهی که خواستار مشارکت دادن چین و یا همکاری با آن می‌باشند تا به این ترتیب در قضا یا ذینفع شده و در قبال نظم جهانی به رهبری امریکا احساس مسئولیت کند.

دوم: گروهی دوم به این باور اند که نمی‌توان به اهداف و نیت چین اعتماد نمود، زیرا هرچه نباشد چین رقیب امریکاست و در برابر نظم جهانی غربی به رهبری امریکا قرار دارد.

سر انجام طراحان سیاست خارجه امریکا در نیمه دهه نود به این نتیجه توافق نمودند که چین را به عنوان قدرت مزاحم به امریکا شناخته و سیاست‌هایی را جهت محدود نمودن رشد بالارفتن چین روی دست بگیرند. در زمان حکومت کلنتن و اواما سیاست امریکا در قبال چین؛ مهار سیاست آن بود و در زما حکومت بوش پسر و ترامپ؛ امریکا سیاست خصمانه‌تری برای مهار چین روی دست گرفت، چنان‌چه ترامپ برای جنگ تجاری باز علیه چین، بسیج جهانی به راه‌انداخت.

2. سیاست امریکا برای مهار چین در محور دو هدف اساسی می‌چرخید؛ اول: جلوگیری از ظهور چین به عنوان قدرت منطقه‌ای. دوم: ممانعت از ایجاد تغییر در هر بخشی از نظام جهانی غربی توسط چین. امریکا برای موفق شدن در این دو هدف، تدابیر مختلفی را روی دست گرفت، از جمله؛ «برجسته نمودن نقض حقوق بشر توسط چین در مناطق تبت، ترکستان شرقی و هانگانگ، سرگرم نمودن چین به بحران هسته‌ای کوریای شمالی و کشمکش‌های منطقه‌ای در سواحل بحر جنوبی چین، استفاده از هند، جاپان و استرالیا به هدف محدود نمودن اهداف نظامی چین و رشد آن در منطقه آسیا، بحر آرام، مختلف نمودن دست‌یابی چین به تکنولوژی مدرن و سهم نگرفتن در پیشنهاد چین برای ساخت راه/جاده حلقوی.» سازمان سیاست امریکا، سیاست مهار چین را با تغییرات جزئی در شماری از تدابیر و به هدف مهار قدرت و آرمان‌های چین روی دست گرفت و به آن پایبندی نشان داد. اما با فرا رسیدن بحران اقتصادی جهانی در سال 2008 و جنگ‌های فاجعه‌آفرین امریکا در افغانستان و عراق، ایالات متحده متوجه شد که سیاست مهار چین کافی نبوده و تصمیم گرفت این سیاست را بیشتر استحکام و گسترش دهد. هدف امریکا از راه‌اندازی استراتژی اواما موسوم به "استراتژی آسیا" این بود که تجهیزات نظامی و سربازانش را از اروپا به آسیا و سواحل بحر آرام منتقل کند تا در رویارویی با امکانات نظامی چین قرار گیرد، سپس ترامپ اقتصاد چین را مستقیماً هدف قرار داد و اداره حکومت‌اش، چین را متهم نمود که با "پول بازی می‌کند" و جنگ تجاری را با پکن آغاز نمود و این جنگ سر لوح تلاش‌ها برای مهار نمودن چین توسط نظامی قرار گرفت که بر پایه‌های نظم جهانی حاکم استوار است.

**دوم) جنگ تجاری میان امریکا و چین**

1. چنانچه گفته شد؛ امریکا جنگ تجاری را برای جلوگیری از رشد چین آغاز نمود و این جنگ به دلیل روابط گسترده تجاری میان دو قدرت برتر اقتصادی جهان خیلی زود شعله‌ور گردید؛ چنانچه امریکا سالانه 558 میلیارد دلار از کالاها و خدمات چین را دریافت می‌کند و چین در مقابل آن 179 میلیارد دلار از کالاها و خدمات امریکا را دریافت می‌نماید. اما در این اواخر دیده شده که دو طرف برای تأمین منافع خویش در قدم نخست باهم نزدیک شده‌اند.

2. چین و امریکا در ماه‌های اخیر به توافقات تجاری جزئی دست‌یافته‌اند، «توافقاتی که به هدف جلوگیری از گسترش جنگ تجاری است که از سال گذشته تا کنون میان این دو غول اقتصادی جهان در حال گسترش است. ترامپ قبلاً گفته بود که مرحله نخست این توافق تجاری در حدود 60% از تمام موارد توافق فراگیر را در بر می‌گیرد و این توافق چین را ملزم خواهد نمود، تولیدات زراعتی بیشتری از امریکا خریداری نماید و امریکا در عوض، مالیات گمرکی خویش بالای کالاهای وارداتی چین را کاهش خواهد داد.» (منبع: عربی جدید 5 جنوری 2020م)

العربیة نت به تاریخ 15 دسمبر 2019م با نشر خبری گفته بود: «21 ماه پس از آغاز جنگ تجاری میان دو اقتصاد برتر جهان، ایالات متحده به مرحله نخست توافق تجاری با چین دست یافت، اما این توافق نامه قطعاً پیش از جنوری آینده امضاء نخواهد شد و ایالات متحده متعهد شده بر اساس این توافق مالیات گمرکی 15 فیصدی خویش بالای 120 میلیارد دلار، واردات چین را به نصف کاهش خواهد داد، اما تعرفه‌های گمرکی 25% خویش بالای کالاهای وارداتی چین که به 250 میلیارد دلار می‌رسد را هم‌چنان حفظ خواهد نمود. ایالات متحده هم‌چنین گفته که مالیات جدید 15% بالای 160 میلیارد دلار از تولیدات چین را که قرار بود از امروز اعمال گردد، به تعویق اندازد، این مالیات قرار بود بالای کالاهایی مانند بازی‌های کامپیوتری تلفن‌های هوشمند و غیره اعمال گردد. پکن نیز بر موجب این توافق پذیرفته که در جریان حد اقل دو سال آینده، در حدود 200 میلیارد دلار اضافی از کالاها و خدمات امریکا را وارد نماید و هم‌چنین چین تصمیم دارد مالیات افزودی‌اش بالای برخی از واردات امریکایی را که قرار بود از امروز عمل شود، به تعویق اندازد، مانند به تعویق انداختن مالیات گمرکی افزودی به ارزش 25% بالای موتر/ماشین‌ها، 5% بالای قطعات یدکی امریکا. چین اظهار نموده که روند تعلیق مالیات گمرکی بالای حدوداً 126 میلیارد دلار از تولیدات امریکا را ادامه خواهد داد و به علاوه متعهد شده خرید تولیدات زراعتی خویش از ایالات متحده را تا 50 میلیارد دلار در سال افزایش دهد» دلیل حرص ترامپ به گرم نمودن بازار صادرات زراعتی امریکا این است که انتخابات سال 2020م را پیش رو دارد و نمی‌خواهد آراء دهقانانی را که به دلیل عدم وجود بازار مناسب برای تولیدات خویش زیر بار قرضه‌ها رفته‌اند از دست دهد. پیش از آن، سایت البیان نیوز گفته بود: «وزارت تجارت چین شام روز جمعه با نشر بیانیه‌ای گفته که این توافق بر اساس اصل مساوات و احترام متقابل صورت گرفته و شامل نه بند می‌شود: مقدمه، حقوق ملکیت فکری، انتقال تکنولوژی، تولیدات غذایی و زراعتی، خدمات پولی، نرخ اسعار و شفافیت، گسترش تجارت، ارزیابی دو جانبه و حل و فصل منازعات و سرانجام بندهای نهائی.» (منبع: البیان نیوز 13 دسمبر 2019م)

3. اما این بدان معنی نیست که این توافق نامه‌ها در خصوص جنگ تجاری به تنش‌های اقتصادی میان دو طرف پایان خواهد داد، زیرا دلیل و انگیزه واقعی برای تسلط بالای چین، جنگ تجاری نیست، بلکه مسأله عمیق دیگری در پس آن قرار دارد که به مراتب برای اقتصاد امریکا و اولویت‌های جهانی آن خطرناک‌تر است. چین پیشگام تکنولوژی نسل پنجم، که نسل آینده ارتباطات بیسیم به شمار می‌رود، می‌باشد. مهم‌تر از آن، پورتال کنترل اطلاعات هوش مصنوعی است که شورای حمایت نوآوران، "اریک شمیدت"

رئیس قبلی الفبای هوش مصنوعی، "ریدهوفمان" بنیان‌گذار سایت LinkedIn و "والتر ایساکسون" مؤلف و رئیس اجرایی سابق مؤسسه "اسبین" همه نوشته اند: «انتظار می‌رود کسی که نسل پنجم "جی 5" را در دست می‌گیرد، در جریان دهه پیش رو به صدها میلیارد دلار درآمد از این ناحیه دست یابد و این درآمد را با ایجاد فرصت‌های کاری گسترده در عرصه تکنولوژی بیسیم به دست خواهد آورد. دولتی که نسل پنجم "جی 5" را در اختیار خواهد داشت، فرصت ابتکارهای زیادی را داشته و برای سایر جهان استاندارد تعیین خواهد نمود. در حال حاضر گمان اغلب این است که این دولت، ایالات متحده نخواهد بود.» (منبع: ZDNet)

4. برای معلومات بیشتر باید گفت که "جی 5" دارای سرعت فوق العاده می‌باشد. «پژوهش‌گران اعلان نموده اند که آزمایش سرعت تکنولوژی نسل پنجم "جی 5" نشان داده که سرعت این ابزار بی سابقه بوده و در یک ثانیه به تیرابایت می‌رسد که 200 مرتبه سریع‌تر از نوع موجود آن در حال حاضر است. بر اساس آزمایش‌هایی که گروه پژوهش‌گری از مرکز گسترش شبکه‌های نسل پنجم این تکنولوژی در دانشگاه سری بریتانیا، فایل‌های صدمبار سنگین‌تر از فایل‌های فیلم‌های طولانی را می‌توان در حدود 3 ثانیه با استفاده از این تکنولوژی دانلود کرد. لازم به ذکر است که آخرین میزان سرعت دانلود توسط شبکه‌های نسل چهارم به حدود 65 هزار مرتبه می‌رسد. انتظار می‌رود شمار دستگاه‌های متصل به اینترنت در سال جاری مابین 50 الی 100 میلیارد دستگاه باشد، بناءً نیاز است شبکه‌های با قابلیت‌های جدید و متفاوت تولید گردد تا به این حجم گسترده تقاضای اینترنتی رسیده‌گی صورت گیرد. در خصوص چگونگی کارتنیکی "جی 5" باید گفت که ابزاری موسوم به "میمو" یعنی "ورودی‌ها و خروجی‌های متعدد" تولید گردیده که در راه‌اندازی و کارایی نسل پنجم این شبکه نقش اساسی و محوری را بازی می‌کند. تکنولوژی "میمو" آنتن‌های متعدد و کوچکی است که جهت ارائه جریان داده‌ها به گونه جداگانه به کارگرفته می‌شود. سامسونگ برای فراهم‌آوری سرعت خیره‌کننده جهت دانلود داده‌ها به این تکنولوژی متکی شده و احتمال می‌رود شبکه‌های "جی 5" شمار بیشتری از ایستگاه‌های پخش را به کارگیرد.» (منبع: العرب 13 اگست 2017م)

5. "شمیدت" در سال 2017م در کنفرانس جهانی اقتصاد گفت: «دیری نخواهد گذشت که چین در تولید هوش مصنوعی "AI" از ایالات متحده پیشی گیرد. کاربرد هوش مصنوعی در موارد زیر برجسته می‌گردد:

- استفاده از روبات‌هایی مجهز به آخرین تکنولوژی هوش مصنوعی برای تشخیص مشکلات کاربران با سرعت و کارایی بیشتر و بهتر.  
- استفاده از تکنولوژی مجهز به هوش مصنوعی در جهت تحلیل و تجزیه معلومات مهم از میان حجم بزرگ داده‌های متنی برای بهبود روند برنامه ریزی.

کارشناسان به این باور اند که در چند سال آینده در عرصه هوش مصنوعی توجه و سرمایه‌گذاری‌های زیادی صورت خواهد گرفت. Deloitte تخمین می‌زند که تا فرارسیدن سال 2021م 57.6 میلیارد دلار امریکائی برای هوش مصنوعی و آموزش الکترونیکی هزینه خواهد شد، یعنی پنج برابر بیشتر از آن‌چه که در سال 2017م هزینه می‌شد.

6. تعجب‌آور نبود که ترامپ آشکارا با شرکت هواوی، که "جی 5" را تولید می‌کند، مخالفت نمود و در مناسبت‌های مختلف به خطرهایی که این شرکت چینی دارد، اشاره نمود. وی در نشست اخیر ناتو گفت: «از نظر من این یک خطر امنیتی است، این یک خطر امنیتی است.» به همین دلیل بود که امریکا بالای بسیاری از دولت‌های غربی مانند "ایتالیا، انگلیس، آلمان و غیره" فشار آورد

تا مناقصه‌های شرکت هواوی را نپذیرند و نگذارند نسل پنجم "جی 5" در کشورهایشان راه‌اندازی گردد و تمام این فشارها را با بهانه‌های دروغین امنیتی توجیه نمود. هم‌چنین امریکا از کاندای خواست "مینگ وانزهو" مدیر مالی شرکت هواوی را به اتهام دور زدن تحریم‌های امریکا علیه ایران بازداشت نماید. امریکا مصمم است، مانع شبکه "جی 5" چین قرار گیرد. هم‌چنین ترامپ از فروش تراشه‌های سیلیکون به چین جلوگیری نمود.

7. چینی‌ها مدت‌هاست سعی دارند بر اساس چشم‌انداز 2025 چین، در عرصه تکنولوژی خودکفا شوند، اما چگونگی تعامل امریکا با شرکت هواوی و سایر شرکت‌های چینی باعث شده این تلاش‌های چین برای استقلال کامل در تولید تکنولوژی‌های اساسی سرعت بیشتری داشته باشد. چینی‌ها اعلان نموده اند که برنامه‌هایی برای ساخت سیستم عامل مخصوص خود تا سال 2022م دارند و آنگاه راه را برای شرکت‌های IBM و Microsoft و Dell و سایر شرکت‌های امریکایی خواهند بست. هم‌چنین چین سعی دارد تراشه‌های سیلیکون ویژه چین را تولید کند، چنان‌چه دست‌مزد‌های هزاران تن از انجیران/مهندسين تایوانی این تراشه‌ها را افزایش داده و قصد دارد در جریان چند سال آینده آن‌را به چین انتقال دهد. تحلیل‌گران امریکائی تخمین می‌زنند چین در ظرف پنج الی هفت سال آینده در صنعت تولید تراشه‌ها کاملاً خودکفا شود. به این ترتیب و با عملی شدن این برنامه‌ها، پکن از بابت تکنولوژی هوش مصنوعی درآمدهای هنگفت اقتصادی خواهد داشت.

8. امریکا با تمام توان سعی دارد توانایی‌های چین برای پیشگامی در عرصه سیستم "جی 5" و هوش مصنوعی را محدود نماید، زیرا اهمیت این تکنولوژی در حال حاضر کاملاً به اهمیت ماشین بخار و برق و تراشه‌های سیلیکون در سال‌های گذشته می‌ماند. و این تکنولوژی‌ها در حقیقت محرک اساسی تولید و رشد اقتصاد به شمار می‌رود.

به این ترتیب؛ جنگ تجاری که در حال حاضر جریان دارد، در حقیقت فراتر از یک جنگ تجاری برای حفظ توازن تجاری میان امریکا و چین است، بلکه گذشته از آن، این یک جنگ تکنولوژیکی، به ویژه تکنولوژی "جی 5" بوده و به احتمال زیاد و بر اساس واقعیت موجود؛ جهان به سودی دارای سیستم تکنولوژی دو قطبی شود: غرب به رهبری امریکا و سایر جهان به رهبری چین. در صورتی که سیستم تکنولوژی چین بتواند منطقه اوراسیا را زیر تسلط خود در آورد، احتمال این که چین اولویت‌های امریکا در این عرصه را تهدید کند، افزایش خواهد یافت.

با این حساب؛ حتی اگر توافق‌نامه تجاری میان امریکا و چین تمام مراحل‌اش را پشت سر گذاشته و تا یک سال آینده همه به امضاء هم برسد، چنان که ترامپ گفت: «اداره حکومت‌اش گفتگوها در مورد مرحله دوم توافق تجاری میان ایالات متحده و چین را به زودی آغاز خواهد نمود، اما ممکن است کار نهائی هرگونه توافقی را به بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ماه نومبر آینده موکول کند.» (منبع: بوابه العین 10 جنوری 2020م) حتی اگر چنین توافق‌نامه‌ای سر انجام به امضاء هم برسد، بازهم انتظار می‌رود این کار چیزی فراتر از توقف دو طرف جنگ برای تجدید نیرو و توان، مخصوصاً در عرصه تکنولوژی نسل پنجم نخواهد بود، زیرا امریکا هرگز نمی‌پذیرد چین همتای آن قرار گیرد؛ هرچند چین این را بپذیرد، غرور و تکبری که امریکا دارد مانع تن دادن آن به این امر می‌شود.

17 جمادی الأولى 1441هـ.ق

12 جنوری 2020م

مترجم: عبدالله دانشجو